

گونه‌شناسی نهادهای مالی و مراکز تصمیم‌گیری

اقتصادی در ساختار اقتصاد ایران

دکتر بیژن بیدآباد

چکیده

در این مقاله، به کلیت انواع نهادهای مالی و مراکز تصمیم‌گیری در اقتصاد ایران اشاره‌ای خواهیم داشت. گونه‌های مختلف این مراکز، از لحاظ نحوه عمل و همچنین نظارت، با توجه به ابعاد خاص اقتصاد پنهان نیز در مدنظر قرار خواهند گرفت. در این مقاله، به بودجه‌های مختلف دولتی و شبه‌دولتی و گروه‌های خاص فعال در نظام اقتصادی ایران - اعم از قانونی و غیرقانونی - می‌پردازیم. کلیات ساختار مالی اقتصاد ایران فقط از بُعد وسعت عمل زیربخش‌های مختلف مطرح می‌شوند و چگونگی ارتباطات آنها به عنوان بررسی‌های لازم در زمینه انضباط مالی، به عنوان مقوله‌ای باز و لازم‌التحقیق رها می‌شود.

مقدمه

یکی از سوالاتی که همواره اقتصادسنج‌ها در سنجش اقتصاد ایران با آن مواجه هستند، این است که چرا اکثریت قریب به اتفاق الگوهای اقتصادسنجی که برای ایران ساخته می‌شود، از قدرت تحلیل کمی در بررسی گزینه‌های مختلف سیاست‌گذاری و همچنین، پیش‌بینی آینده برخوردار است؟ در بررسی این موضوع، سعی ما بر این شد تا علت را از این باب بررسی کنیم که الگوهای اقتصادسنجی طراحی شده مبین فعالیت‌های عوامل اقتصادی در جامعه نیستند، زیرا ساختار اقتصاد، رفتارهای اقتصادی را شکل

می‌دهد و این رفتارها در آمار و ارقام جلوه‌گر می‌شوند و الگوهای اقتصادسنجی بیان ریاضی این آمار و ارقام می‌باشند که با هنر الگوسازی ساختار اقتصاد و رفتارهای آن آمیخته است^(۱). پس هرگاه سطح اطلاع یک اقتصادسنج از جامعه مورد بررسی خود کم باشد، یا رفتارها را نشناسد، یا آمارها دچار خدشه باشند، حتماً این اقتصادسنج موفق به طراحی الگوی پاسخگو و قابل‌اعتمادی نخواهد شد. با این ملاحظات، در این مقاله به شناخت مراکز تصمیم‌گیری و نهادهای مالی^(۲) در اقتصاد ایران خواهیم پرداخت.

متأسفانه سهم پرونده‌های مرتبط با اختلاس، ارتشا و جعل از کل پرونده‌های مختومه روند افزایشی داشته و این به معنی گسترش روبه‌رشد فعالیت‌های اقتصادی غیرقانونی است.

یکی از دیدگاه‌هایی که غالباً در بررسی هرم قدرت هر جامعه‌ای موردنظر محققان است، نحوه جریان وجوه و منابع مالی در ساختار اقتصادی جامعه می‌باشد. به عبارت دیگر، می‌توان ادعان داشت که در جوامعی که حتی تقید شهروندان و دولتمردان آن به رعایت قوانین، بیش از دیگر جوامع باشد، باز هم تصمیم‌گیری در اقتصاد، متأثر از مراکزی است که منابع مالی در آنجا متمرکزتر می‌باشد. از طرفی، منابع

مالی - به معنی بودجه‌ای آن - ابزار اجرای اهداف گروه‌هایی است که آن منابع را در اختیار دارند. البته شاید این مساله از این دیدگاه مورد انتقاد قرار گیرد که چرا در بسیاری از کشورها، کارگران که از لحاظ فردی به عنوان مرکز مالی - اقتصادی شناخته نمی‌شوند، اجتماع همسوی آنان به عنوان یک تشکل قوی محسوب می‌شود و می‌تواند منابع مالی مراکز مهم اقتصادی را متأثر سازد؟ کلیه جریانات سیاسی و نهضت‌ها و انقلابات نیز از جهت این که می‌توانند مالکیت و منابع مالی - اقتصادی جامعه‌ای را دگرگون سازند و توزیع مجدد نمایند، از لحاظ تأثیری که بر ساختار تصمیم‌گیری می‌گذارند، اهمیت بسیار دارند، زیرا هدف همه این تحولات، اخذ منابع از گروهی و قراردادن آن در تحت‌اختیار خود می‌باشد.

به هر حال، هدف ما در این مقاله، بُعد سیاسی ساختار تصمیم‌گیری اقتصادی نیست، گرچه بُعد سیاسی این قضیه نیز از ابعاد مهم این بحث است، ولیکن نمی‌خواهیم به شیوه سنتی این ساختار را از این لحاظ بررسی نماییم، بلکه ارزیابی ساختار تصمیم‌گیری اقتصادی در ایران را از بُعد مراکز مهم مالی و بودجه‌ای بررسی خواهیم کرد. در این مقاله، در پی آن هستیم که محل تمرکز منابع مالی را بیابیم، منابعی که در اثر آن، قدرت مالی و نتیجتاً قدرت اقتصادی ایجاد شده و مسلماً قدرت سیاسی نیز می‌تواند به شدت از این مراکز متأثر باشد.

به‌هرحال، انجام آنها به نحوی همراه با مسایل خلاف قوانین موضوعه مملکتی می‌باشد. این دسته از فعالیت‌ها در متون اقتصادی با نام‌های متعددی مانند اقتصاد سیاه، زیرزمینی، پنهان، مخفی، غیررسمی، نامرئی، غیرقانونی، مسوازی، دوم، سایه، غیرقابل مشاهده، گزارش نشده و با کلماتی از این قبیل خوانده می‌شوند که مفهوم هرکدام به علت نظر محققان مختلف و تمرکز تحقیقات آنها بر ویژگی خاصی از اقتصاد، غیرعادی بوده است^(۳).

ویژگی عمده فعالیت‌های این بخش، قانونی و مجاز بودن اصل تولید کالا و خدمت است، ولی در نحوه تولید یا توزیع آن کاری خلاف و غیرقانونی صورت گرفته است. مثال‌های زیادی در این بخش وجود دارد که برای مثال، می‌توان به فرار از مالیات به طرق مختلف، فرار از مقررات مانند عدم رعایت قوانین مشرف بر تدابیر ایمنی کارگاه‌ها، عدم معرفی کارگران به بیمه‌های اجتماعی، حساب‌سازی دفاتر قانونی، فاکتور ندادن، فرار از قوانین حداقل دستمزد کارگران، ثبت نکردن، مجوز گرفتن، سوءاستفاده از بیمه‌های مختلف، تبانی با میزان مالیاتی، استفاده از نیروی کار مهاجرانی که به کارگیری آنها غیرقانونی است، نقل و انتقال و قاچاق ارز و موارد مشابه از این نوع اشاره نمود.

با توجه به حجم بسیار زیاد بخش پنهان در اقتصاد کشورها، عدم توجه به مقادیر این بخش، عملاً قابلیت مقایسه ارقام حساب‌های ملی را به شدت کاهش می‌دهد.

تجلی اینگونه فعالیت‌ها در بخش دولتی، نمودار خاصی دارد و به عنوان نمونه، استفاده از قدرت دولت‌سالاری در تمامی ردیف‌های مختلف سمت‌های دولتی، عملاً در این بخش قرار می‌گیرند. برای مثال، اختلاس، تبانی، دخالت‌های مختلف در امر مخدوش ساختن مناقصه‌ها، مزایده‌ها، معاملات دولتی، ارزیابی خلاف واقع، نادیده گرفتن قوانین و مقررات، عدم رعایت بی‌طرفی در توزیع سهمیه‌ها، گرفتن رشوه برای انجام سریع امور مراجعان، جلوگیری از نوبت مراجعان، استفاده ناصحیح از سرمایه بخش دولتی، بالاخص آن بخش از سرمایه دولتی که در اختیار دولتمردان - چه در بخش کشوری و

زیادی را تولید می‌کنند که در خانواده مصرف می‌شود و تولیدات آنها کمتر به بازار عرضه می‌شود. برای مثال، فعالیت خانم‌های خانه‌دار در منزل به صورت فعالیت‌های بدون مزدی می‌باشد که چنانچه ارزش افزوده این فعالیت‌ها در حساب‌های ملی وارد شود، می‌تواند در مجموع، تولید ناخالص داخلی را در اقتصاد در حدود نیم برابر افزایش دهد. فعالیت‌های مرد در خانه از قبیل تعمیرات در اوقات فراغت وی نیز در زمره اینگونه فعالیت‌ها قرار می‌گیرند. این امور در جوامع روستایی نمود بیشتری دارد. بالاخره در کشورهای درحال توسعه به دلیل درآمد کم و در نتیجه، خودکفایی خانوارها، غالباً کالاها و خدمات بسیاری در خانه‌ها تولید و مصرف می‌شوند و فقدان قیمت برای کالاها و خدمات تولیدی در این بخش، عملاً محاسبه و میزان و سهم این بخش را در محاسبات ملی غیرممکن می‌سازد. علاوه بر این، بسیاری از مبادلات در این جوامع، عمدتاً به صورت پایاپای صورت می‌پذیرد که بر مشکلات محاسباتی می‌افزاید.

۲) بخش غیررسمی: بخش غیررسمی، شامل تولیدکنندگان جزء و کارکنان آنها و کسبه و پیشه‌وران بدون کارگر و کارکنان خدمات تجاری، حمل‌ونقل و دیگر خدمات رسمی است. در کشورهای درحال توسعه، از بارزترین نوع این فعالیت‌ها، کسبه دوره‌گرد، دستفروش‌ها و کارگاه‌های کوچک بدون کارگر - که اغلب در خانه‌ها قرار دارند - می‌باشند که از نظر تعداد نیز قابل توجهند. تفاوت عمده این بخش با بخش خانوارها در این است که تولیدات بخش غیررسمی برخلاف تولید خدمات خانگی به صورت کالاها یا خدمات واسطه‌ای به سایر تولیدکنندگان یا به صورت کالاها و خدمات نهایی به مصرف‌کنندگان عرضه می‌شود و این به معنای وقوع مبادلات بازاری است. وجود مبادلات بازاری باعث به‌وجود آمدن قیمت می‌شود و قاعدتاً باید در حسابداری ملی منظور شود، ولی به علت دشواری و پرهزینه بودن جمع‌آوری اطلاعات و آمار در این بخش، عملاً از بررسی آن صرف‌نظر می‌شود. باید توجه نمود که تولید و مصرف کالاها و خدمات تولیدشده در بخش غیررسمی، منع قانونی ندارد و اینگونه فعالیت‌ها در اقتصاد کشور کاملاً مجاز می‌باشند.

۳) بخش غیرعادی: فعالیت‌هایی که در این بخش قرار می‌گیرند، شامل مجموعه فعالیت‌های اقتصادی می‌باشند که تولید آنها قانونی است؛ ولی

شاید یکی از راه‌های بررسی نقاط و مراکز تصمیم‌گیری در اقتصاد، از این بُعد قابل ارزیابی باشد که مراکز عمده درآمد و به سبب آن هزینه در کجا قرار دارند؟ این فرضیه که هر جا منبع درآمد باشد، قدرت اقتصادی در آنجا است، دور از ذهن نیست و فرضیه‌ای است که عملاً متحقق است؛ و همچنین در هر جا قدرت اقتصادی وجود داشته باشد، آلا و لابد تصمیم‌گیری برای هزینه کردن آن منابع وجود دارد و این فرایند در همه جوامع از لحاظ ساختار تصمیم‌گیری اقتصادی در هر جامعه‌ای عملاً چارچوب اقتدار اقتصادی در آن جامعه را روشن می‌سازد. این بحث می‌تواند به مباحث جامعه‌شناسی سیاسی قدرت نیز کشانده شود که با دیدگاه این مقاله همسو و هم‌جهت است، اما در این مقاله به آن نخواهیم پرداخت.

نحوه جریان وجوه و منابع مالی در ساختار اقتصادی جامعه، یکی از شاخه‌های هرم قدرت می‌باشد.

گونه‌های رفتاری مراکز اقتصادی - مالی

فعالیت فعالان اقتصادی را می‌توان از لحاظ عملکرد، در مجموعه‌ای از فعالیت‌های رسمی و غیررسمی و آشکار و پنهان طبقه‌بندی نمود. فعالیت‌های متعارف اقتصادی، علی‌القاعده فعالیت‌هایی هستند که از لحاظ قانونی و عرف بررسی در زمره فعالیت‌های مشروع جامعه تلقی شوند. در حاشیه فعالیت‌های متعارف اقتصادی، فعالیت‌های زیادی نیز هستند که دور از چشم آمارگیران و تحلیلگران اقتصادی قرار دارند. به طور کلی، تمامی فعالیت‌های اقتصادی که به علل مختلف در حسابداری ملی بشمار می‌آیند، بخش آشکار هستند، و فعالیت‌هایی که در حسابداری ملی درج و محاسبه نمی‌شوند، بخش پنهان اقتصاد را تشکیل می‌دهند. با توجه به حجم بسیار زیاد بخش پنهان در اقتصاد کشورها، عدم توجه به مقادیر این بخش، عملاً قابلیت مقایسه ارقام حساب‌های ملی را به شدت کاهش می‌دهد. فعالیت‌های این بخش را می‌توان به موارد: بخش خانوار، بخش غیررسمی، بخش غیرعادی و بخش خانوار: خانوارها کالاها و خدمات

چه لشکری - قرار می‌گیرد. گرچه از لحاظ قانونی برای دراختیار قرار دادن اموال دولتی تحت اختیار مدیران در اکثر کشورها، قوانین و مقرراتی وجود دارد، ولی تخطی از حدود قانونی آن سبب می‌شود که استفاده از اینگونه سرمایه‌ها و اختیارات در زمره فعالیت‌های بخش غیرعادی قرار گیرد.

حجم این بخش در بیشتر کشورها زیاد است و برخی از بررسی‌ها می‌بین این موضوع است که عدم گزارش میزان فعالیت این بخش در محاسبات مربوط به حساب‌های ملی، باعث می‌شود که نتایج به دست آمده در حساب‌های ملی از قابلیت تحلیل چندانی برخوردار نباشد. این موضوع در کشورهای مختلف متفاوت است، ولی اساساً در کشورهای که روابط قانونی و تشکیلاتی منسجم در بین نهادهای جامعه وجود ندارد، این بخش گسترده‌تر می‌باشد.

تولید و مصرف کالاها و خدمات تولید شده در بخش غیررسمی، منع قانونی ندارد و اینگونه فعالیت‌ها در اقتصاد کشور کاملاً مجاز می‌باشند.

۴) بخش غیرقانونی: اصل تولید کالا و خدمت در بخش غیرقانونی، غیرمجاز می‌باشد. به عبارت دیگر، کلیه فعالیت‌هایی که در این بخش قرار می‌گیرند، همگی غیرقانونی هستند. در حساب‌های ملی، کلیه فعالیت‌هایی که از لحاظ قوانین موضوعه مملکتی غیرقانونی شناخته می‌شوند، در محاسبات حذف می‌گردد. دامنه فعالیت‌های غیرقانونی در اکثر کشورها متفاوت است و برحسب کشورهای مختلف، نوع فعالیت غیرقانونی در آن متغیر می‌باشد. از طرفی دیگر، مقایسه این بخش در کشورهای مختلف به علت تنوع و یا تضاد قوانین کشورهای مبنی بر خلاف بودن یا نبودن یک فعالیت، بسیار صعب می‌نماید. برای مثال، کشت خشخاش در یک کشور، قانونی تلقی می‌شود و در کشور دیگر، غیرقانونی به حساب می‌آید؛ روسپیگری و قمار و خریدوفروش مشروبات الکلی نیز از اینگونه موارد هستند. ولی می‌توان به بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی اشاره نمود که در اکثریت قریب به اتفاق کشورهای غیرقانونی تلقی می‌شوند، همانند فعالیت‌هایی همچون جعل اسناد، چاپ غیرقانونی اسناد اعتباری و پول، اخذی،

جیب‌بری، کلاهبرداری، تولید و توزیع کالاها و خدمات غیرقانونی، قاچاق، دستبرد کارکنان در محل کار خود، ارتشا، سرقت از فروشگاه‌ها و موسسات و به طور کلی، اعمال سارقانه، غصب، جنایات سازمانیافته و غیره.

اقتصاد پنهان و زیرزمینی

با توجه به مباحث فوق، سه بخش اقتصاد متعارف و خانوار و غیررسمی بخش‌هایی هستند که به طور قانونی اقدام به تولید می‌نمایند که در بخش اول، تولید و مبادله به سهولت صورت می‌گیرد و در بخش دوم، مبادله به صورت اقتصادی آن صورت نمی‌پذیرد، ولی در بخش غیررسمی مبادله هم صورت می‌پذیرد و کالاها و خدمات ارائه شده دارای قیمت می‌باشند. دو بخش اخیر را شاید بتوان به نام بخش‌هایی که پنهان هستند، نام برد.

دو بخش دیگر که از آنها تحت عناوین بخش‌های غیرعادی و غیرقانونی نام برده شد، به نحوی در فعالیت خود اقدام به عمل غیرقانونی می‌نمایند. در بخش غیرعادی، تولید کالا یا خدمت قانونی است، ولی همراه با اعمال خلاف قانون است. در بخش غیرقانونی، تولید کالا یا خدمت از اصل عملی غیرقانونی می‌باشد، تا چه رسد به توزیع آن. این دو بخش را می‌توان بخش‌های زیرزمینی نامید.

با طبقه‌بندی بخش‌ها به صورت دو طبقه: پنهان و زیرزمینی، دو ویژگی: قانونی و غیرقانونی آنها همواره تداعی می‌شود (جدول شماره یک).

فعالیت‌ها وجود ندارد. برخلاف اقتصاد پنهان، اقتصاد زیرزمینی گونه‌هایی از بی‌عدالتی و ظلم اجتماعی را با خود به همراه دارد و به جز دست‌اندرکاران اینگونه فعالیت‌ها، باقی افراد جامعه از آن متضرر یا حداقل بی‌بهره هستند. در مورد حجم و وسعت فعالیت اقتصاد پنهان، شاید بتوان تا حدودی به برآوردهایی رسید، ولی وسعت فعالیت‌های بخش اقتصاد زیرزمینی به علت طبیعت عمل خلاف قانون در این بخش، به سختی قابل حصول است. اقتصاد پنهان به اقتصاد کشورها آسیب نمی‌رساند، ولی بخش اقتصاد زیرزمینی به شدت سبب عدم‌کارایی بخش‌های مختلف رسمی اقتصاد می‌شود، بالاخص هنگامی که مستخدمان دولتی در انجام اعمال خلاف قانون که نمونه‌هایی از آنها ذکر شد، متبخر شده و عادت کنند. سپس رفته‌رفته این عادت سبب می‌شود تا از انجام امور محوله خودداری نمایند، مگر عواید غیرقانونی دریافت دارند. به عبارت دیگر، کارکنان دولتی فقط با دریافت عواید غیرقانونی، اقدام به انجام وظیفه قانونی خود می‌نمایند. این رفتار موجب بسته شدن شریان‌های اجرایی کشور می‌شود.

وجود بخش غیررسمی اقتصاد پنهان، می‌تواند به علت پایین بودن سطح زندگی باشد. پایین آمدن سطح زندگی به علت افزایش فقر نیز خود علتی برای افزایش فعالیت بخش‌های زیرزمینی است. این پدیده در شرایطی که فقر و کاهش درآمدهای حقیقی روبه‌ازدیداد باشد، به صورت تصاعدی افزایش می‌یابد.

جدول شماره یک

گونه‌های رفتاری: تولید - مبادله - قیمت - ثبت

بخش‌ها	تولید کالا	مبادله	قیمت	حساب ملی
متعارف	قانونی	دارد	دارد	ثبت
خانوار	قانونی	ندارد	ندارد	عدم ثبت
غیررسمی	قانونی	دارد	دارد	عدم ثبت
غیرعادی	قانونی (تخلف)	دارد (تخلف)	فازی	ثبت /
غیرقانونی	غیرقانونی	غیرقانونی	فازی	عدم ثبت

بررسی وضعیت کشورهای مختلف نشان می‌دهد که فعالیت‌های بخش زیرزمینی در کشورهای فقیر، هم در سطح افراد با درآمد پایین وجود دارد و هم در سطح افراد با درآمد بالا، ولی در کشورهای غنی، فعالیت‌های بخش زیرزمینی بیشتر در سطوح افراد با درآمد بالا وجود دارد و گروه‌های پایین‌تر درآمدی، کمتر به این

اقتصاد پنهان از لحاظ عدالت اجتماعی در هر جامعه‌ای مورد اعتراض شهروندان آن جامعه نیست، زیرا رویه متعارفی است که در خانوارها و گروه‌های تولید کوچک در سطح جامعه رواج دارد و کلیه اعمال این گروه‌ها از لحاظ قانونی به طریقی تایید و حمایت هم می‌شود و یا حداقل مخالفتی با غالب این

معضل دچار هستند. هرچه مستخدمان دولت بیشتر به فعالیت‌های زیرزمینی اقتصاد بپردازند، اصلاح اقتصاد و ایجاد انضباط مالی به لحاظ از بین بردن اینگونه فعالیت‌ها صعوبت‌تر و مشکل‌تر می‌شود. بالاخص هنگامی که این فعالیت‌ها فراگیر شوند و قوای انتظامی و قضایی نیز آلوده گردند، اصلاح جامعه بسیار مشکل خواهد بود و به عبارت دیگر، این آلودگی نهادینه شده است^(۴).

براساس آمارهای رسمی منتشره، تعداد پرونده‌های مختومه در موضوع اختلاس، ارتشا و جعل، ظرف مدت پنج سال، حدود ۲/۲ برابر شده است. بررسی روند زمانی این متغیر، سیر روبه‌تزیاید فسادهای مالی را نشان می‌دهد. با مراجعه به جدول شماره دو مشاهده می‌شود که متأسفانه سهم پرونده‌های مرتبط با اختلاس، ارتشا و

جعل از کل پرونده‌های مختومه روند افزایشی داشته و این به معنی گسترش روبه‌رشد فعالیت‌های اقتصادی غیرقانونی است. نه تنها تعداد، بلکه رشد سالانه تعداد پرونده‌ها نیز از روند افزایشی برخوردار می‌باشد و این به مفهوم آن است که رشد تخلفات از یک رشد تصاعدی نمایی تبعیت می‌کند و حاکی از شتاب روزافزون گرایش به این نوع مسایل است (نمودار شماره یک).

ادامه دارد

زیر نویس‌ها

(۱) منابع زیر به شرح ویژگی‌های مختلف این پدیده در اقتصاد ایران می‌پردازند. همچنین، منابع مختلف مرتبط با این موضوع در آخر این مقاله معرفی شده‌اند:
* بیژن بیدآباد و فرانک بیدآباد / الگوی اقتصادسنجی کلان ایران / ۱۳۷۶ / ویرایش چهارم / موسسه تحقیقات پولی و بانکی / بانک مرکزی جمهوری

جدول شماره دو

تعداد پرونده‌های مختومه در دادگاه‌های عمومی - موضوع: اختلاس، ارتشا و جعل

شرح	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰
اختلاس، ارتشا و جعل	۱۰۲۶۴۱	۱۲۷۱۲۴	۱۴۱۳۴۴	۱۶۳۶۶۷	۱۸۹۰۷۰	۲۲۳۴۸۷
درصد رشد سالانه	٪۲۱/۷	٪۲۲/۹	٪۱۷/۲	٪۱۵/۸	٪۱۵/۵	٪۱۸/۲
کل پرونده‌های مختومه	۲۱۳۰۵۸۹	۳۳۰۱۰۹۸	۳۵۵۲۲۰۰	۳۹۲۷۷۹۸	۴۳۷۷۱۶۰	۵۰۴۱۷۱۲
درصد رشد سالانه	—	٪۵/۸	٪۷/۸	٪۱۰/۴	٪۱۱/۴	٪۱۵/۲
درصد اختلاس، ارتشا، جعل از کل پرونده‌های مختومه	٪۲/۳	٪۳/۹	٪۴/۰	٪۴/۲	٪۴/۳	٪۴/۴

مأخذ: سئنامه آماری کشور / سال ۱۳۸۰ / صفحه ۴۷۳ / مرکز آمار ایران.

اسلامی ایران / مرداد.
* بیژن بیدآباد / الگوی اقتصادسنجی کلان ایران: شبیه‌سازی و پیش‌بینی / ۱۳۷۷ / ارائه شده به همایش مدل‌سازی برای اقتصاد ایران / چاپ شده در مدل‌سازی اقتصاد ایران / گردآورنده: دکتر محمدجعفر مجرد / معاونت اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران / صفحات ۱۲۷-۲۲۲.

* بیژن بیدآباد / ارتباط اجزای منابع و مصارف بانک‌ها با بخش‌های پولی، ارزی و مالی و مغایرت‌های موجود در گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی ج.ا.ا. / ۱۳۷۳ / معاونت امور اقتصادی / وزارت امور اقتصادی و دارایی.

* بیژن بیدآباد / برخی ناهمخوانی‌ها در حساب‌های پولی، ارزی و مالی گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی ج.ا.ا. / ۱۳۷۴ / معاونت اقتصاد و تکنولوژی / مرکز تحقیقات استراتژیک نهاد ریاست جمهوری.

(۲) در این مقاله، از تعریف و طبقه‌بندی متداول در مورد نهادهای مالی استفاده نمی‌شود، بلکه تعریف جامع‌تری را در این باره درم‌نظر قرار داده‌ایم که تطابق زیادتری با مفهوم مراکز تصمیم‌گیری اقتصادی دارد. یکی از طبقه‌بندی‌های متعارف نهادهای مالی، این نهادها را به دو طبقه مالی واسطه‌ای و سایر نهادهای مالی تقسیم می‌کند. در بخش نهادهای مالی واسطه‌ای، بانک‌های تجاری و موسسات اعتباری و بیمه‌ای و سرمایه‌گذاری و تأمین مالی قرار می‌گیرند و بخش سایر نهادهای مالی، بانک‌های رهنی و سرمایه‌گذاری و دلان اوراق بهادار و ارز و سهام و موسسات ارائه‌دهنده خدمات مالی را شامل می‌شود. نگاه کنید به:

Rose, P.S., D.R.Franser / 1988 / The Nature and Role of Financial Institutions in the Economy / Financial Institution / PP.1-27.

(۳) اقتصاد غیررسمی / ۱۳۷۴ / ترجمه و نگارش منوچهر نوربخش، کامران سپهری / موسسه تحقیقات پولی و بانکی / بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

(۴) براساس گزارش فرمانده نیروی انتظامی. معادل ۷۰ درصد متهمان پرونده‌های قاچاق کالا و ارز در سراسر کشور و ۹۰ درصد متهمان پرونده‌های قاچاق کالا در بعضی استان‌ها، توسط قوه قضاییه تیریه می‌شوند. نگاه کنید به:

<http://www.kayhannews.com/۸۱۱۰۲۲/other۴.htm#other۴>.

مدیرکل مرکز مبارزه با قاچاق کالا نیز بر این عقیده است که: «جریان‌های بازرگانه‌ای در کشور وجود دارد که به نحوی بیچیده و هماهنگ در مبارزه با قاچاق کالا مانع ایجاد کرده و سنگ‌اندازی می‌کنند». نگاه کنید به:

http://www.hamshahri.org/HAMNEWS/۱۳۸۲/۸۲۰۲۲۵/ECONOM/_EVENT.HTM

وزیر بازرگانی سابق نیز به نقل از رییس کل گمرکات کشور اعلام می‌دارد که از ۱۸۰۰۰ پرونده قاچاق ارسالی به قوه قضاییه، تعداد ۱۷۰۰۰ پرونده (۹۵ درصد) تیریه شده‌اند. نگاه کنید به:

<http://www.refahweekly.com/eco/pz.۹http.htm>

